

شناسایی بسترهای فرهنگی-اجتماعی شکل دهنده رضایت از ازدواج در زوجین رضایتمند

اعظم کلائی^۱، جواد خدادادی سنگده^۲، مرتضی گوهری پور^۳

چکیده

رضایت از ازدواج مفهومی وابسته به بستر زندگی زوجین رضایتمند جامعه و متأثر از ارزش‌های اجتماعی، فرهنگ و سایر مؤلفه‌های موجود در زندگی آنهاست. پژوهش حاضر به شناسایی بسترهای فرهنگی-اجتماعی شکل دهنده رضایت از ازدواج در زوجین رضایتمند پرداخته است. این مطالعه با رویکرد کیفی و بر اساس روش داده‌بنیاد انجام شده است. ابزار پژوهش مصاحبه عمیق بود که تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. نمونه‌گیری به صورت هدفمند از ۲۱ نفر از زوجین رضایتمند شهر تهران در بازه زمانی ۹۶-۹۷ انجام شد. نتایج تحلیل کدگذاری مصاحبه‌ها منجر به شناسایی ۳۳ کد باز، ۸ کد محوری و کد انتخابی رضایت از ازدواج شد. بر اساس یافته‌ها، آنچه در بسترهای فرهنگی-اجتماعی به عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رضایت از ازدواج استخراج شد شامل همسانی خانواده‌های اصلی، تمایل به ساده‌زیستی، بهره‌مندی از شبکه حمایتی دوستان و اقوام، پرداختن به اوقات فراغت، استفاده درست از فضای مجازی، استفاده از خدمات مشاورتی و مشاوره‌ای، باورهای دینی و رفتارهای دینی است. وجود یافته‌های مرتبط با عوامل مذهبی،

۱. کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشکده رفاه، (این مقاله، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد

مشاوره و راهنمایی است). ایمیل: am.kalae@gmail.com

۲. دکترای تخصصی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل:

javad.khodadadi7@gmail.com

۳. دانشجوی دکترا، دانشکده غیرانتفاعی رفاه، تهران، ایران. ایمیل: goharipour@gmail.com

نشانگر بافت فرهنگی-اجتماعی این مطالعه است که به دلیل ریشه‌دار بودن آموزه‌های دینی و نقش عمیق آن‌ها بر سبک زندگی افراد قابل توجه و تأمل است. بهره‌مندی از این فضائل مذهبی و سبک زندگی اسلامی که ثمره آن است موجب توانمندتر شدن زوجین و خانواده‌ها در مواجهه با چالش‌های زندگی، تعدیل تعارض‌ها و ایجاد رضایت پایدار است و در نهایت مسیر رشد و بالندگی را برای آن‌ها فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: رضایت از ازدواج، بسترهای فرهنگی - اجتماعی، زوجین رضایتمند

Identification of socio-cultural contexts forming marital satisfaction for satisfied couples

Aazam Kalaei¹, Javad Khodadadi Sangdeh², Morteza Gohari Pour³

Abstract

Marital Satisfaction is the concept dealt with the life field of satisfied couples in society and influenced by social values, culture and other components existing in their life. This research identified socio-cultural contexts forming marital satisfaction for satisfied couples. This study has been done in the qualitative approach and it is based on grounded theory. The research instrument has been progressed through deep interviews until theoretic saturation. Twenty one satisfied couples have been sampled and interviewed in Tehran during 96 to 97. Analysis of participants has resulted in uncovering 33 open codes, 8 axial codes and a selective code of marital satisfaction. According to findings, what was extracted as efficient factors of forming marital satisfaction in socio-cultural contexts included in main families homology, tendency to simplicity, benefit from supporting net of friends and family, taking free time important, management of cyberspace, using advisory and consulting services, religious believes and religious behaviors. Existing findings related to religious factors represent socio-cultural contexts of this study. For religious teachings Being rooted and its deep role on peoples life style, it is significant and notable. Having these religious Virtues and its consequence, Islamic life style, religious Virtues makes couples and Families powerful in confronting with the challenges of life, adjusted conflicts and creation of lasting satisfaction opens path of growth and development.

Keywords: Marital Satisfaction, Satisfied couples, Socio-cultural contexts

1. Master of Science in Counseling and Guidance, Refah Faculty (This article is derived from a Master of Science thesis in Counseling and Guidance). Email: am.kalae@gmail.com

2. Ph.D., Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: javad.khodadadi7@gmail.com

3. Doctoral Student, Refah Non-profit Faculty, Tehran, Iran. Email: goharipour@gmail.com

مقدمه

زیربنای جامعه سالم خانواده سالم است و مهم‌ترین ملاک خانواده سالم نیز رضایت زوج از ازدواج است (فتحی، ۱۳۹۵). رضایتی که همسران در رابطه خویش احساس و تجربه می‌کنند، از عناصر حیاتی در سیستم زناشویی است (قربانی و فیروزی، ۱۳۹۵). رضایت از ازدواج خشنودی ایجادشده از پذیرش غیرمشروط زوجین توسط یکدیگر است (گیتی‌پسند و همکاران، ۱۳۹۳) و نقش مهمی در سلامت روانی-اجتماعی خانواده دارد. از آنجا که وجود رضایت از ازدواج، کنار آمدن با سختی‌ها و تعارضات زوجین را آسان می‌سازد؛ پایه‌های رابطه زوجی محسوب می‌شود (دلداده مقدم و باقری، ۱۳۹۶). بنا بر تعاریف ارائه شده، رضایت از ازدواج، از اساسی‌ترین عوامل پیشرفت و رسیدن به اهداف زندگی است که تحت تأثیر ثبات عاطفی^۱ همسران است. از این رو روان‌شناسان رضایت از ازدواج را معیاری جهت بررسی کیفیت زناشویی، نشانه استحکام و کارایی سیستم زوجین و از مهم‌ترین شاخصه‌های عملکرد سالم خانواده می‌دانند (گریف، ۲۰۰۰). همسران در طول زندگی زناشویی با اوقات شادکامی و اوقات سختی روبرو می‌شوند. در مواجهه با این زمان‌ها، برخی زوج‌ها طلاق می‌گیرند، و برخی دیگر با وجود سختی‌ها و چالش‌ها، رابطه‌ای شاد و رضایتمند با هم ایجاد می‌کنند (حاتمی ورزنه و همکاران، ۱۳۹۵). کیفیت بالای ازدواج و رضایت از آن ثبات و پایداری ازدواج را نشان می‌دهد (یدیریر و هامارتا، ۲۰۱۵) که حاکی از علاقمندی زوجین به یکدیگر و نگرش مثبت به متأهل بودن است (قربانی و فیروزی، ۱۳۹۵). بنابراین، رضایت متغیری نگرشی است که ممکن است در هر زوج به یک میزان نباشد. همچنین رضایت از ازدواج مفهومی گسترده است که ابعاد متعددی دارد و عوامل مختلفی بر آن اثر می‌گذارند (جهانیان و سپهری شاملو، ۱۳۹۶). چنانچه ازدواج رضایتمند و سالم باشد، عملکردها و نقش‌ها به خوبی ایفا می‌شوند، همسران می‌توانند با مسائل و مشکلات احتمالی به روش صحیح برخورد کنند، در جهت ارتقای سلامت و بهزیستی فردی و اجتماعی حرکت کنند و از انواع آسیب‌ها به دور باشند (اسکات، ۲۰۰۶ و کار، ۲۰۰۶). بنابراین، زوج‌هایی که از کیفیت ارتباطی یا تفاهم خوبی برخوردار هستند از وضعیت تندرستی بهتری نیز بهره‌مند هستند. افزون بر این، رضایت از ازدواج بر روابط والدین و فرزندان و سلامت خانواده نیز مؤثر است. (مروتی و همکاران،

۱۳۹۵ و مهدی‌پور بازکیایی و صداقتی فرد، ۱۳۹۴). همچنان که رضایت از ازدواج با سلامت عمومی بالای زوج‌ها و سایر اعضای خانواده همراه است (وایت و گالاکر، ۲۰۰۰)، نارضایتی از این رابطه آشفتگی‌های روانی، سلامت عمومی پایین، ضعف سیستم ایمنی بدن، برانگیختگی قلبی و عروقی و افزایش تنش را به همراه دارد (گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۲)؛ به همین علت، کیفیت رابطه زناشویی زیربنای کارکرد آینده کل خانواده و سلامت جسمی و روانی اعضای آن است (محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). امروزه در دنیا این گرایش ایجاد شده که به جای تمرکز بر عوامل اثرگذار بر طلاق، بر ازدواج‌هایی که پایدار و رضایتمند مانده‌اند توجه کنند. چنانچه پژوهشگران بتوانند عواملی را که ازدواج را در مسیر موفقیت قرار می‌دهد شناسایی کنند جامعه می‌تواند افزایش دوام، پایداری و رضایت در ازدواج و همچنین نرخ پایین‌تری از طلاق را تجربه کند (حاتمی ورزنده و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین با توجه به جایگاه رابطه زناشویی در مفهوم بهداشت روانی و اهمیت کارکرد متعادل خانواده و حفظ آن، شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد رضایت از ازدواج زیربنای استحکام‌بخش خانواده و اقدام مهمی در زمینه روابط زناشویی است (میری و نجفی، ۱۳۹۶)؛ از این رو، یکی دیگر از دلایل اهمیت پرداختن به عوامل مؤثر در رضایت از ازدواج این است که رضایت فرد از زندگی زناشویی بخش مهمی از سلامت فردی است (مهدی‌پور بازکیایی و صداقتی فرد، ۱۳۹۴). از طرفی، رضایت از ازدواج تحت تأثیر بافت فرهنگی-اجتماعی جامعه است. ارزش‌ها و باورهای فرهنگی نه تنها دیدگاه افراد را نسبت به خودشان شکل می‌دهد، بلکه دیدگاه آن‌ها نسبت به صمیمیت، عشق و یک رابطه خوب را نیز می‌سازد (فتحی، ۱۳۹۵). همچنین موج چهارم روان‌شناسی، یعنی دیدگاه چندفرهنگی در حوزه مشاوره، بر بومی‌سازی پژوهش‌ها با فرهنگ و تناسب آن‌ها با ارزش‌های حاکم بر جامعه تأکید می‌کند (کوری، ۲۰۱۳). بدیهی است که چگونگی تعاملات زوجین با یکدیگر و رفتار آن‌ها در رابطه زناشویی نیز به شدت وابسته به فرهنگ است (رضاپور میرصالح، ۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر خشنودی و رضایتمندی از رابطه زوجی در فرهنگ‌های مختلف با هم تفاوت دارند. زیرا ازدواج در ایران به عنوان کشوری اسلامی، از فرهنگ غربی متفاوت است. بنابراین نمی‌توان نتایج پژوهش‌های پیرامون ازدواج در فرهنگ غربی را به راحتی به جامعه ایرانی تعمیم داد (حاتمی ورزنده و همکاران، ۱۳۹۵). تأثیر بستر فرهنگی-اجتماعی در رضایت از ازدواج از راه تأثیر بر یادگیری‌ها، ادراکات، انتظارات و نگرش‌های افراد درباره رابطه زناشویی انجام می‌شود. همچنین از آنجا که ادراکات و برداشت‌های افراد از رابطه تا حد زیادی میزان رضایت از ازدواج آن‌ها

را مشخص می‌کند، ضرورت دارد که در مطالعه رضایت از ازدواج به جای به کار بردن رویکرد اثبات‌گرایانه که پژوهشگر را در اولویت قرار می‌دهد، بر دیدگاه مشارکت‌کنندگان تمرکز بیشتری شود (محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). علاوه بر اینکه بیشتر مطالعات انجام‌شده در زمینه خانواده بر شکل‌گیری نارضایتی، بدعملکردی، آسیب و فروپاشی خانواده تمرکز داشته و پرداختن به عوامل زمینه‌ساز تعالی و سلامت خانواده، سهم ناچیزی را به خود اختصاص داده است، بیشتر پژوهش‌های مرتبط با رضایت از ازدواج به صورت کمی و فاقد حساسیت‌های فرهنگی است؛ در حالی که رابطه زوجی و سبک زندگی برای افزایش رضایتمندی از رابطه زوجی، مسئله‌ای متأثر از بستر اجتماعی، باورها، نظام ارزشی و هنجاری و فرهنگی است که در رویکردهای کمی کاملاً مغفول مانده است. بدیهی است که بررسی عملکرد خانواده بدون توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی آن امر ناقص و نادرستی است، زیرا تمرکز بر مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی از مهم‌ترین مسائل لازم در پژوهش‌های مرتبط با خانواده است. از آنجا که ارزش‌ها و قواعد فرهنگی-اجتماعی بر چگونگی فرایند خانواده تأثیرگذار است، بررسی وضعیت خانواده در بافتی که در آن قرار دارد، ضروری به نظر می‌رسد. به همین علت انجام پژوهش مبتنی بر بافت دارای اهمیت است (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین با توجه به اینکه رضایت از ازدواج، مفهومی وابسته به بستر زندگی افراد جامعه و متأثر از ارزش‌های اجتماعی، فرهنگ و سایر مؤلفه‌های موجود در بستر زندگی آن‌ها است؛ الگوی مفهومی بسترهای شکل‌دهنده رضایت از ازدواج، می‌تواند از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت باشد. تأثیر بستر فرهنگی-اجتماعی در رضایت از ازدواج از راه تأثیر بر یادگیری‌ها، ادراکات، انتظارات و نگرش‌های افراد درباره رابطه زناشویی ایجاد می‌شود (محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳) که این مسئله ضرورت انجام پژوهش‌های کیفی جهت درک عمیق‌تر زمینه‌های مربوط به ازدواج را آشکار می‌کند. بنابراین، با توجه به نقش مهم رضایت از ازدواج در سلامت خانواده و متأثر بودن آن از ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی بسترهای شکل‌دهنده رضایت از ازدواج از دیدگاه زوجین رضایتمند است.

روش

در پژوهش حاضر، به منظور درک و تفسیر بسترهای فرهنگی-اجتماعی شکل‌دهنده رضایت از ازدواج در زوجین رضایتمند، ورود به دنیای تجربه‌های زوجین مورد بررسی ضرورت داشت. بنابراین، رویکرد و روشی اتخاذ شد که انجام این امر را میسر سازد. از این رو،

در پژوهش حاضر با توجه به مسئله پژوهش و فرایندی بودن پدیده مورد بررسی، رضایت از ازدواج از رویکرد کیفی و روش داده‌بنیاد^۱ استفاده شده است. با توجه به این روش، داده‌ها در چندین مرحله جمع‌آوری شد و در صورت لزوم، چندین بار به شرکت کنندگان در پژوهش مراجعه شده است. همچنین تلاش شده است دیدگاه شرکت کنندگان در پژوهش درک شود و به پدیده‌ها از دید شرکت کنندگان در پژوهش توجه شود و سپس فرایندها و محتوای شکل دهنده دنیای دیده‌شده کشف یا بررسی شود. جامعه پژوهش جاری شامل تمام زوجین رضایتمند از ازدواج شهر تهران در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ بود و نمونه‌ها زوجین رضایتمندی بودند که ملاک‌های ورود به این مطالعه را داشتند. ملاک‌های ورود و خروج این پژوهش عبارت بود از:

زوجین به رضایت خود از ازدواج اذعان داشته باشند.

حداقل ۵ سال از ازدواجشان گذشته باشد.

سابقه طلاق، اعتیاد و پیمان‌شکنی نداشته باشند.

حداقل یک فرزند داشته باشند.

در مقیاس رضایت زناشویی انریچ^۲ ۴۷ سؤالی (اولسون، فورنیر و دراکمن^۳، ۱۹۸۹؛ ثنایی ذاکر، ۱۳۷۹) و در مقیاس سلامت خانواده ایرانی^۴ (خدادادی سنگده، ۱۳۹۳)، نمره حداقل متوسط به بالا کسب کنند. نمونه‌گیری این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و به طور همزمان از روش گلوله برفی نیز جهت دسترسی راحت‌تر به نمونه‌های مورد نظر استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند به انتخاب آزمودنی‌هایی اشاره دارد که حداکثر امکان پاسخ سؤالات مورد نظر را فراهم سازد. در این روش، انتخاب نمونه بر اساس یک هدف خاص و نه به طور تصادفی بوده است. از روش گلوله برفی نیز به این صورت استفاده شد که از هر مشارکت‌کننده در پایان مصاحبه درخواست شد که در صورت دسترسی، زوج دیگری را که مشابه آن‌ها هستند و حاضر به همکاری در این پژوهش هستند معرفی کنند. پس از تماس با زوجین معرفی شده و بررسی ملاک‌های انتخاب نمونه، مصاحبه عمیق ساختارنا یافته با آن‌ها انجام شد. اندازه نمونه بر اساس تکمیل نظریه و اشباع مقوله‌های

1. Grounded theory

2. ENRICH (Enriching and Nurturing Relationship Issues, Communicating and Happiness)

3. Olson, Fournier & Druckman

4. IRFHS (Iranian Family Health Scale)

شناسایی شده است که این تعداد ۲۱ نفر شامل ۱۳ زن و ۸ مرد بوده است. در ابتدا از مصاحبه‌شوندگان سؤالات کلی پرسیده می‌شد. سپس در پی هر پاسخ آن‌ها در صورت نیاز، از پرسش‌های موشکافانه مانند «می‌شود در این مورد بیشتر توضیح دهید؟» و یا «می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان کنید؟» برای دسترسی به جزئیات دقیق‌تر و اطلاعات غنی‌تر استفاده شد تا پژوهشگر به اهداف خود در پژوهش دست یابد. مصاحبه با هر یک از نمونه‌ها تقریباً حدود ۴۰ تا ۶۰ دقیقه طول کشید. پیش از مصاحبه، در مورد هدف پژوهش و رعایت اصل رازداری اطلاعاتی به طور کلی به شرکت‌کنندگان پژوهش داده شد. به منظور رعایت رازداری و حفظ هویت شخصی افراد شرکت‌کننده در پژوهش، در هنگام تبدیل صوت مصاحبه به متن از نام مستعار استفاده شد. همچنین، با کسب اجازه از شرکت‌کنندگان در پژوهش، مصاحبه‌ها ضبط شدند و پس از آن بر روی کاغذ پیاده شدند تا آماده انجام تحلیل و کدگذاری‌ها شوند. هنگام پیاده‌سازی و تحلیل، چنانچه نیاز به روشن‌سازی مسأله یا مفهومی بود، روند انجام مصاحبه با فرد در زمان دیگری ادامه می‌یافت. با توجه به روش این پژوهش، تعداد نمونه‌هایی که جهت تحلیل داده‌ها به کار رفت به میزانی بود که حداکثر محتوا را نتیجه دهد؛ علاوه بر این، به منظور ارتقای کیفیت و تسریع در روند انجام پژوهش و انتخاب نمونه‌ها، سعی بر آن شد تا نمونه‌ها از بافت‌های متنوع اجتماعی و اقتصادی انتخاب شوند. به این منظور، با حضور در اماکنی مانند سرای محله، فرهنگسرا، دانشگاه، مدرسه، رجوع و معرفی آشنایان و غیره، و در صورت لزوم با انجام هماهنگی با مسئولین این مراکز، اهداف پژوهش با نمونه‌های انتخاب‌شده مطرح و از آن‌ها دعوت به همکاری می‌شد. بدیهی است که ایجاد این تنوع در بافت موجب دستیابی به اطلاعات غنی‌تر، اکتشاف در نمونه‌های متنوع و نزدیک‌تر به واقعیت جامعه و پیشگیری از اشباع زود هنگام شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، نتایج هر مصاحبه بلافاصله تجزیه و تحلیل شدند؛ به عبارت دیگر، پس از جمع‌آوری اطلاعات، کدگذاری و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده انجام شده است. به منظور کدگذاری، پس از خرد کردن داده‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها ایجاد شدند و سپس مقوله‌های مرتبط به هم در کنار هم قرار گرفتند. در این پژوهش، کدگذاری در ۳ مرحله، شامل کدگذاری باز یا آزاد^۱، کدگذاری محوری^۲ و

1. Open coding
2. Axial coding

کد گذاری انتخابی^۱ انجام شده است. اولین مرحله کد گذاری باز است که با هدف استخراج مفاهیم و مقوله‌ها از داده‌های خام انجام شد؛ به این صورت که فرایند خرد کردن، مقایسه کردن، مفهوم پردازی کردن و مقوله بندی کردن داده‌ها انجام شده است. برای انجام این نوع کد گذاری، داده‌ها به دقت بررسی، پدیده‌ها نامگذاری و مقوله بندی شدند. مفاهیم، پیوسته با یکدیگر مقایسه شدند تا مشخص شود آیا مفهوم جدید یک مفهوم متفاوت از مفاهیم قبلی است یا خیر. چنانچه با مفهوم قبلی مشابه بود تلفیق و در صورت متفاوت بودن بر مفاهیم قبلی اضافه می‌شد. در مرحله بعد، کد گذاری محوری انجام شده است. در این نوع کد گذاری به تمرکز بر یک مقوله خاص پرداخته شد که هدف اصلی آن یافتن روابط بین مقوله‌ها بود؛ یعنی پژوهشگر مقوله‌های حاصل از کد گذاری باز را پالایش و تفکیک کرده است و مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی تر مرتبط شده‌اند. توجه و تمرکز عمیق به بافت، تعاملات و پیامدها در این شیوه کد گذاری انجام شد. در پایان فرایند کد گذاری باز و محوری، مفاهیم و مقوله‌ها استخراج شده‌اند. کد گذاری محوری زمینه را برای کد گذاری انتخابی فراهم کرد. آخرین مرحله کد گذاری کد گذاری انتخابی است که در این فرایند در بیان دسته بندی‌های متعدد، یک دسته به عنوان هسته و مرکز انتخاب شده است. به منظور صحت و اعتبار داده‌های پژوهش از چهار شاخص اعتبار گابا و لینکلن (۱۹۸۹) استفاده شد. برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها پس از تحلیل هر مصاحبه، مجدداً به شرکت کننده مراجع و صحت و سقم مطالب تأیید و تغییرات لازم اعمال شده است. جهت تضمین قابلیت تصدیق سعی بر آن بود که پژوهشگر پیش فرض‌های پیشین خود را تا حد امکان در فرایند جمع آوری اطلاعات دخالت ندهد. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت از نظارت و راهنمایی افراد متخصص در حوزه پژوهش و روش پژوهش استفاده شد و بررسی کدها و دسته بندی مقوله‌ها نیز با صلاح دید و مشورت با آن‌ها بوده است. همچنین بازخوردهای دریافت شده از سوی افراد متخصص در فرایند مطالعه اعمال شده است. به منظور افزایش قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت‌های دیگر تلاش شد تا حد امکان از زوجین رضایتمند متعلق به سطوح مختلف اجتماعی و اقتصادی برای شرکت در پژوهش استفاده شود. در رابطه با رعایت اصول اخلاقی پژوهش نیز لازم به ذکر است پیش از انجام مصاحبه، شرکت کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند و به دور از اجبار با رضایت و

آگاهی لازم درباره چستی و چگونگی پژوهش شرکت کردند. همچنین علاوه بر کسب رضایت آن‌ها جهت ضبط صدا و یادداشت برداری میدانی، به افراد حق انصراف و محرمانه بودن تمام مشخصات در کل فرایند پژوهش داده شد.

یافته‌ها

یکی از بسترهای مهم رضایت از ازدواج بستر فرهنگی-اجتماعی است. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مقوله‌های همسانی خانواده‌های اصلی، تمایل به ساده‌زیستی، بهره‌مندی از شبکه حمایتی دوستان و اقوام، پرداختن به اوقات فراغت، استفاده درست از فضای مجازی، استفاده از خدمات مشورتی و مشاوره‌ای، باورهای دینی و رفتارهای دینی که مرتبط با عوامل فرهنگی-اجتماعی و مذهبی است شناسایی شد. در ادامه، کدهای باز هر یک از این مقوله‌های محوری و برای نمونه برخی از نقل قول‌های مصاحبه‌شونده‌ها مطرح می‌شود.

جدول ۱... بسترهای فرهنگی-اجتماعی رضایت از ازدواج

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
	همسانی خانواده‌های اصلی	همسانی فرهنگی-اجتماعی
	بهره‌مندی از شبکه حمایتی دوستان و اقوام	معاشرت با دوستان و اقوام
	استفاده از خدمات مشورتی و مشاوره‌ای	استفاده از خدمات مشاوره‌ای نصیحت‌پذیری و مشورت با بزرگان
	تمایل به ساده‌زیستی	قناعت
	استفاده درست از فضای مجازی	مدیریت در استفاده از فضای مجازی
	پرداختن به اوقات فراغت	وقت گذاشتن برای فرزندان انجام تفریحات جمعی انجام فعالیت‌های مشترک دیدار اقوام و دوستان

	ایمان به خدا
	یاد خدا
	اعتقاد به شاهد بودن خداوند
	توکل به خدا داشتن
	راضی بودن به رضای خداوند
باورهای دینی	روزی رسان بودن خداوند
	صداقت
	محبت و توسل به ائمه اطهار (ع)
	نیت کار خیر
	شکر گزاری
	اعتقاد به دعای والدین
	پرهیز از منت
	انجام فرایض الهی
	احترام و نیکی به والدین
	کسب روزی حلال
	استعانت از نماز
	رعایت حدود شرعی در تعامل با نامحرم
رفتارهای دینی	نوع دوستی و انجام امور خیر
	قرائت قرآن
	زیارت
	صله ارحام
	شرکت در مراسم‌های مذهبی
	نذر
	استخاره

همسانی خانواده‌های اصلی

در این پژوهش، همسانی خانواده‌های اصلی از عوامل مهم رضایتمندی از ازدواج بود. در ازدواج‌های مطلوب باید تشابه طبقاتی تا حد امکان وجود داشته باشد. هر میزان که زوجین از نظر طبقاتی به یکدیگر شباهت بیشتری داشته باشند، از رضایت و سعادت بیشتری بهره‌مند خواهند شد (والی‌زاده، ۱۳۹۳). ما از نظر فرهنگی و اجتماعی هم توی یه سطح هستیم. (خانم ۴۰ ساله، مدت ازدواج ۱۶ سال) - خانواده همسر رو قبول داشتم. از نظر اجتماعی و فرهنگی و مذهبی و اقتصادی هم سطح بودیم. (آقا ۴۵ ساله، مدت ازدواج ۱۶ سال) - اعتقاد اتمون مشابه هم هست توی یه مسیریم. (خانم ۴۰ ساله، مدت ازدواج ۱۶ سال) - یکی از نکات مثبت که بود اینکه خانواده‌هامون خیلی به هم نزدیک بودن چه به

لحاظ فرهنگی، طبقاتی، درآمدی. (آقا ۳۵ ساله، مدت ازدواج ۶ سال) - بیشتر برامون اون همفکری و اعتقادهای مذهبی و معنوی مون مهم بود تا ملاک‌های مالی. برام مذهبی بودن خیلی مهم بود. (آقا ۳۴ ساله، مدت ازدواج ۸ سال) - این تشابه فرهنگی، طبقاتی، درآمدی تأثیر گذاشته روی رضایت ما. من همیشه به دوستانم که مجردن اینو میگم که از خانواده‌ای زن بگیرید که از نظر فرهنگی، درآمدی و اجتماعی و تحصیلات خانوم این‌ها نزدیک به خانواده خودتون باشند. این تشابه باید باشه. توی سواد، فرهنگ و درآمد. (آقا ۳۵ ساله مدت ازدواج ۶ سال).

بهره‌مندی از شبکه حمایتی دوستان و اقوام

یکی از عوامل مداخله‌گر در ایجاد رضایت از ازدواج روابط حسنه با خانواده‌های اصلی و اقوام است. همسو با این یافته، پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند کسب حمایت‌های اجتماعی و بهره‌مندی از این شبکه حمایتی خانواده و دوستان از منابع اثرگذار بر افزایش رضایت از ازدواج است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که خویشاوندان مانند سدی در برابر عوامل تنش‌زا عمل می‌کنند (صیادپور، ۱۳۸۳). اینکه می‌تونیم همه فامیل دور هم جمع بشیم و بگیم و بخندیم و کنار نکشیم و از اقوام و دوستان هم دوری نمی‌کنیم جمع صمیمی و بامحبتی داریم این خیلی اثرگذاره روی رضایتمون. این صمیمیت و احتراممون به خانواده‌های هم باعث شده که خانواده‌ها به هم نزدیک‌تر شدند و صلّه رحم بیشتر شده. به نظرم اینا خیلی تأثیر می‌ذاره روی رضایتمون. (خانم ۴۰ ساله، مدت ازدواج ۱۶ سال) - خوشبختانه چون روابط خوبی با دوستان و اقوام داشتیم تونستیم توی مشکل ورشکستگی ازشون کمک بگیریم. در درجه اول لطف خدا بود و اون حمایت‌های فامیل و دوستای خوبمون که تونستیم از اون شرایط بد بیرون بیاییم. (خانم ۳۴ ساله، مدت ازدواج ۱۲ سال).

استفاده از خدمات مشاورتی و مشاوره‌ای

بنا بر یافته‌های این پژوهش، زوجین رضایتمند در مواقع لزوم از خدمات مشاوره‌ای به منظور افزایش آگاهی در چگونگی رفع تعارض و فرزندپروری استفاده می‌کردند. همچنین مشورت با بزرگان و نصیحت‌پذیری از آنها نیز از اقدامات مؤثر آنها در افزایش رضایت از ازدواج بوده است. ما به ندرت بحث و مشاجره داشتیم چون احترام پایه روابطمون بوده. من پدرم بی سواد بود، سواد قرآنی داشت. مادربزرگ خانومم هم سواد نداشت اما

حرف‌هایی رو از این بزرگان یاد گرفتیم و در زندگی عمل کردیم، چه در باب زناشویی، چه در باب روابط، چطوری حرف زدیم، همراهی کردیم، چطوری زندگی کردیم. واقعاً به ما درس می‌دادند. مثلاً به بار به خانومم به جمله‌ای گفته بود مادر بزرگش و کلی خانومم ذوق کرده بود. گفته بود مرد وقتی از سرکار میاد خسته‌ست درکش کن. تا وقتی خستگی درنرفته شکایت و حرف ناراحت کننده نگو. از شیطنت بچه‌ها نگو. یکی از چیزایی که باعث شده مشاجره و بحث نداشته باشیم یا خیلی کم بوده همین رعایت نصیحت‌های طلای بزرگامون هست. همین به نکته که گفتم جلوی خیلی از مشاجره‌ها رو می‌گیره. اینکه خانومم واقعاً موقعیت سنج هست که هر حرف و تقاضایی رو چه موقع و چطوری باید بگه. میام از سرکار، اول به جای به شربت. خسته نباشید میگه. (آقا ۵۰ ساله، مدت ازدواج ۲۵ سال). من بعضی راهکارها که بتونه رابطه من رو با همسرم و بچه‌هام بهتر کنه و مسائلی که نیاز به راهنمایی حرفه‌ای دارم چند وقت یکبار می‌رم مشاوره. خیلی کمک کننده بوده، چون عمل کردم به حرف‌های مشاورم. باید پیگیری کنه آدم تا اثرش رو ببینه. (خانم ۳۷ ساله، مدت ازدواج ۹ سال).

تمایل به ساده‌زیستی

بیشتر زوجین رضایتمند در این پژوهش تمایل به ساده‌زیستی داشتند. آن‌ها این عامل را که حاکی از اثرات فرهنگی بر سبک زندگی خانواده است مؤثر بر رضایت خود از ازدواج می‌دانستند و این مفهوم را با تعابیر متعدد قناعت داشتن در زندگی، علاقه نداشتن به پیگیری مد و بی‌اهمیت بودن تجملات زندگی مطرح می‌کردند. این ویژگی عدم مدگرایی و فضیلت قناعت داشتن امکان مدیریت بهتر مالی و اقتصادی را فراهم می‌کند؛ به این صورت که خانواده را از فشارهای مضاعف و غیرضروری در امان نگه می‌دارد و در نتیجه توان اعضای خانواده صرف رشد و تعالی می‌شود (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۴).
تجملات و مد تو زندگی‌مون نقشی نداره چون من به سلیقه خودم اهمیت میدم. خیلی برام مهم نیست که الان فلان چیز مده. ایشونم همینطوره. اعتماد داره به سلیقم. (خانم ۳۷ ساله، مدت ازدواج ۹ سال).

مدیریت استفاده از فضای مجازی

استفاده درست از فضای مجازی یکی از یافته‌های این پژوهش است. رسانه‌های جمعی بر زندگی افراد تأثیر می‌گذارد و ممکن است هویت افراد، ارتباط و مشارکت آن‌ها در جامعه

و تعهد آن‌ها را نسبت به یکدیگر دچار تغییر کند. همچنین استفاده از فضای مجازی، ارتباطات نزدیک را نیز با تغییر مواجه می‌کند. رسانه‌ها به ویژه فضای مجازی بر نوع سلیقه افراد، مصرف، ارزش‌ها و نگرش آن‌ها اثر می‌گذارد (مظفری‌نیا و قاسمی‌پور، ۱۳۹۶). اولش که تلگرام و این‌ها اومده بود ما اینقدر قانون نداشته بودیم و راحت بودیم. می‌رفتیم توی تلگرام و درگیر می‌شدیم. اما بیشتر بحث سر این بود که با این کار وقتی که برای هم می‌داشتیم کم می‌شد. اما بعد همون ماه‌های اول که شاید تلگرام هم نبود این وایبر و واتساپ اومده بود، آره از همون ماه‌های اول دیگه با هم قرار گذاشتیم که تا وقتی پیش هم هستیم حداقل از فضای مجازی و تلگرام و این‌ها استفاده نکنیم. چون اولش استفاده‌مون از فضای مجازی بیشتر بود. حتی باعث ناراحتی‌مون هم شد. همین که خیلی توش درگیر بودیم و برای هم وقت کمتری می‌داشتیم. بعد از اینکه با هم قرار گذاشتیم تا وقتی کنار همیم استفاده نکنیم، اوضاع بهتر شد. حالا گاهی آگه هر کدوممون یادش بره این قرار رو به همدیگه تذکر میدیم و می‌دونیم که این یه قانونه. (خانم ۲۷ ساله، مدت ازدواج ۹ سال).

پرداختن به اوقات فراغت مشترک

از جمله عوامل مورد توجه زوجین در این پژوهش رضایت آن‌ها از شیوه‌های پرداختن به اوقات فراغت مشترک بود که موجب افزایش رضایت آن‌ها از ازدواج می‌شد. با هم یه فیلم می‌بینیم. با هم میوه می‌خوریم. نمی‌دونم چطوری براتون بگم ولی این تایمی هست که خیلی برامون ارزش داره. زبان و زیست‌باباشون خوبه دخترم با باباش کارای درسش رو می‌پرسه. کارای کامپیوتریش رو با هم می‌کنند. پسرهم هنوز کوچیکه ولی با باباش بازی می‌کنه و سر و کله می‌زنن. شاید خیلی نمی‌تونیم مسافرت بریم. وضع مالی اونطور نیست و یا درس می‌خونیم هر دومون نمی‌رسیم. اما وقت گذاشتن با بچه‌ها رو با وجود ضیق وقت ایجاد می‌کنیم. (خانم ۴۰ ساله، مدت ازدواج ۱۶ سال) - حرف هم رو می‌فهمیم و برای حفظ حالات معنوی هم کارهای مشترکی هم انجام میدیم از جمله اینکه هر شب قبل از خواب هر دو مون سوره‌ واقعه رو با هم می‌خونیم یا نماز جمعه میریم. این کارها رو دوست داریم و هر دو تو یک مسیر هستیم. اینا فعالیت‌های مشترک‌مونه. به علاوه اینکه با اقوام و با خانواده‌هامون پیوسته ارتباط داریم. (خانم ۴۸ ساله، مدت ازدواج ۲۹ سال) - شب‌نشینی می‌ریم، اون‌ها میان، ما می‌ریم، صله‌ ارحام داریم. همسرهم فوق‌العاده با خانوادهم خوبند. (خانم ۳۷ ساله، مدت ازدواج ۹ سال).

دینداری

براساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، باورها و رفتارهای دینی در رضایت‌مندی آن‌ها از ازدواج نقش اساسی داشته است. این یافته نشان‌دهنده بافت فرهنگی-اجتماعی این مطالعه است که به دلیل ریشه‌دار بودن آموزه‌های دینی و نقش عمیق آن‌ها بر سبک زندگی افراد قابل توجه و تأمل است.

الف) باورهای دینی

اون هم آدم مذهبی و مؤمنی هست. همین اعتقاداتمون آرامش زندگیمون رو بیشتر میکنه. (خانم ۴۰ ساله، مدت ازدواج ۱۶ سال) - قرآن خوندن هم خیلی آروم‌م کرد. از وقتی رابطمو با خدا بهتر کردم و بیشتر یادش می‌کنم و بعد نمازهام باهاش حرف می‌زنم اون پرخاشگری و عصبی بودن من خیلی خیلی کم شده. یاد خدا آرامشی بهم میده که اون آرامش رو با هیچ کسی ندارم. (خانم ۴۰ ساله، مدت ازدواج ۱۶ سال) - البته مواقعی هم بود که همسرم سه ماه مأموریت بودند و واقعا سخت می‌گذشت ولی با توکل به خدا، صبوری، غسل با آب سرد، تقوا و کنترل تغذیه اون شرایط رو می‌گذروندم. البته دوری از هم سخت‌تر از نبود این روابط بود. (خانم ۴۸ ساله، مدت ازدواج ۲۹ سال) هر بار که میریم خونه پدرشوهرم، با شوهرم میریم یه خرید کلی می‌کنیم براشون. من اعتقاد دارم به اینکه اگه الان سَمْتی هست، پولی هست، اعتباری هست، هرچی هست به دعای خیر پدر و مادرامونه. (خانم ۴۰ ساله، مدت ازدواج ۱۶ سال) - همین که میگه خدا می‌بینه ساده نیست شاید دو کلمه هست ولی باعث میشه منم حواسم باشه تو کاسیم خدا میبینه. تو خونه رفتارم با زن و بچم رو خدا میبینه. آدمی که باور داره خدا می‌بینه هر کاری نمیکنه. (آقای ۳۶ ساله، مدت ازدواج ۱۴ سال).

ب) رفتارهای دینی

یه چیز دیگه‌ای که باعث رضایت و خوشبختی ماست و من بهش معتقدم لقمه حلالی هست که پدر و مادرامون بهمون دادن. به قدری حواسشون به حلال و حرام‌ها بود که فکرش رو هم نمی‌کنید. این اعتقاداتشون روی ما هم اثر گذاشته و باعث رضایت الان ما شده. پدر و مادرم از بس با خدا بودند و اعتقادات قوی داشتند که روی ما هم اثر گذاشته؛ مثلاً معتقد بودند لقمه اگه حلال نباشه صد در صد اثرش رو توی زندگی و بچه‌ها میذاره. دامدار و کشاورز بودند. اینطور بگم که اگه بره‌ای می‌مرد می‌گفتند یا به ما حرام کردند یا

ما باعث شدیم که از این لقمه حرام شدیم. (آقا ۵۰ ساله، مدت ازدواج ۲۵ سال). وقتی مادرم بیماری صعب‌العلاجی گرفتن برای من مادرم همه زندگیم بودند. بعد از فوت پدرم ما رو به سختی بزرگ کردند. وقتی مادرم بیمار شد همسر من بیشتر از من و برادرم برای مادرم خدمت کردند. چرا؟ این انسان براش فرق نمی‌کنه. به همه کمک می‌کنه. حالا مادر من باشه یا غریبه‌ای توی خیابون باشه. وقتی کنار چنین مردی زندگی می‌کنم این واقعاً شکر داره. (خانم ۴۰ ساله، مدت ازدواج ۱۶ سال). احترام به والدین و لقمه حلال توی رضایت از ازدواج ما خیلی حیاتیه. اگه کسی یک ذره به خدا و پیغمبر و دین خدا ایمان داشته باشه اصلاً شکی روی تأثیر اونها توی زندگی نداره. شکی نیست که مؤثره. چطوری میشه نداره. بله هستند افرادی که باورهاشون کمتر شده هر قدر هم که رو به جلو میریم این اعتقادات داره کمتر میشه. ما پیشرفت علمی زیادی داشتیم اما باز همون زندگی سالم اسلامی داشتن، مذهبی بودن، همین احترام به والدین، هر چی کم رنگ‌تر بشه فاجعه به بار میاره. همین احترام به پدر و مادرمون باعث میشه که الان پسر و دخترم برای ما اینقدر احترام قائلند. خوب من از شیوه زندگی اسلامی مون نتیجه گرفتم. شاید آدم با هر کسی ازدواج کنه ریسک باشه و هندونه دهن بسته، ولی تو مسیر دینی و مذهبی و سیره ائمه اطهار آدم اگه زندگی کنه شکی نیست که اون زندگی بیمه میشه و خدا حفظ میکنه. (آقا ۵۰ ساله، مدت ازدواج ۲۵ سال). خیلی از آرامش و خوب بحث کردن‌های منو همسر من توی تعارضاتمون محصول عمل به گفته‌های دینمون هست. اینطور که وقتی مقید به دین خدا و دستوراتش باشیم سبک زندگیمون عوض میشه. می‌دونیم برای هدف مهم‌تری به این دنیا اومدیم و معنای زندگی برامون فرق میکنه و خلاصه نمیشه به مادیات. از مادیات استفاده میشه برای آخرت. اینطوری حتی بچه‌هامون هم باقیات صالحات میشند. تو مسیر بندگی خدا که باشیم رابطه با بنده‌هاش از جمله همسر هم اصلاح میشه. (خانم ۳۷ ساله، مدت ازدواج ۹ سال).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش جاری نشان می‌دهد عوامل شناسایی شده در بسترهای فرهنگی - اجتماعی، مثل همسانی خانواده‌ها، تمایل به ساده‌زیستی، بهره‌مندی از شبکه حمایتی دوستان و اقوام، پرداختن به اوقات فراغت، استفاده درست از فضای مجازی، استفاده از خدمات مشورتی و مشاوره‌ای، باورهای دینی و رفتارهای دینی می‌تواند زمینه‌ساز رضایت

از ازدواج باشد. پژوهش حاضر همسو با مطالعه‌های متعدد نشان داد که همسانی خانواده‌های اصلی از عوامل مهم رضایتمندی از ازدواج است. در ازدواج‌های مطلوب باید تشابه طبقاتی تا حد امکان وجود داشته باشد. هر میزان که زوجین از نظر طبقاتی به یکدیگر شباهت بیشتری داشته باشند از رضایت و سعادت بیشتری بهره‌مند خواهند شد (والی‌زاده، ۱۳۹۳). پژوهش‌ها حاکی از این است که افراد تمایل دارند با کسانی ازدواج کنند که از لحاظ خصوصیات جسمانی، توانایی‌های شناختی و ویژگی‌های شخصیتی با آن‌ها همانند باشند. در ازدواج‌های پایدار و سلامت، هنگام شروع زندگی مشترک، ویژگی‌های شخصیتی زوجین مشابه هستند (صیادپور، ۱۳۸۳). این یافته به این صورت قابل تبیین است که هر کدام از زوجین، پیش از ازدواج، ذهن‌ها، خودها، نمادها، تفسیر و تعریف از موقعیت‌های متفاوتی دارند زیرا در فرهنگ و خانواده متفاوتی رشد کرده‌اند. بنابراین، دارای سبک‌های زندگی متفاوتی هستند. هر قدر سبک زندگی زوجین به هم نزدیک‌تر باشد به تعریف واحد از موقعیت‌ها می‌رسند و رفتار و گفتار آن‌ها به هم نزدیک‌تر می‌شود، میزان گفتگو و مشورت آن‌ها بیشتر و در نتیجه احساس امنیت بیشتری می‌یابند. از طرفی، هر قدر تشابه و نزدیکی میان سبک‌های زندگی زوجین بیشتر باشد، سوء تفاهم‌ها و سوء برداشت‌ها از رفتارها و گفتارهای یکدیگر کمتر می‌شود و احساس امنیت بیشتری در روابط زوجین احساس می‌شود. زیرا در این صورت زوجین، قادر به پیش‌بینی رفتارهای یکدیگر خواهند بود (بهارى، ۱۳۹۴). این یافته با پژوهش حاتمی و رزانه و همکاران (۱۳۹۵) همسو است. بیشتر زوجین رضایتمند در این پژوهش تمایل به ساده زیستی داشتند. آن‌ها این عامل را که حاکی از اثرات فرهنگی بر سبک زندگی خانواده است را مؤثر بر رضایت خود از ازدواج می‌دانستند و این مفهوم را با تعابیر متعدد قناعت داشتن در زندگی، علاقه نداشتن به پیگیری مد و بی‌اهمیت بودن تجملات زندگی مطرح می‌کردند. نتایج مطالعات خدادادی سنگده و همکاران (۱۳۹۴) و محسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) همسو با این یافته است. ویژگی عدم مدگرایی و فضیلت قناعت داشتن امکان مدیریت بهتر مالی و اقتصادی را فراهم می‌کند؛ به این صورت که خانواده را از فشارهای مضاعف و غیر ضروری در امان نگه می‌دارد و در نتیجه توان اعضای خانواده صرف رشد و تعالی می‌شود (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۴). بنا بر یافته‌های این پژوهش، یکی از عوامل مداخله‌گر در ایجاد رضایت از ازدواج، روابط حسنه با خانواده‌های اصلی و اقوام است. همسو با این یافته، پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند کسب حمایت‌های اجتماعی و بهره‌مندی از این شبکه حمایتی خانواده و دوستان

از منابع اثرگذار بر افزایش رضایت از ازدواج است. بررسی‌ها نشان می‌دهد خویشاوندان مانند سدی در برابر عوامل تنش‌زا عمل می‌کنند (صیادپور، ۱۳۸۳). بهره‌مندی از شبکه حمایتی دوستان و اقوام موجب می‌شود تا در مواقعی در زندگی از کمک آن‌ها برای حل مسائل خود استفاده کنند. فرصت حضور بیشتری را در کنار خانواده‌ها و دوستان داشته باشند و از مزایای روابط اجتماعی برخوردار شوند (بایر، ۲۰۰۶). بهره‌مندی از شبکه حمایتی دوستان و اقوام اهمیت بسیاری دارد و نقش فعالی در حل مسائل زندگی دارد. بنابراین به هر میزان که زوجین روابط گرم و صمیمانه بیشتری را با خانواده‌های خود و همسرشان، اقوام و دوستان داشته باشند و ادراک حمایتی بیشتری را از سوی آن‌ها تجربه کنند احساس کارآمدی، قابلیت و توانمندی حل مسئله را به طرز مطلوب‌تری نشان می‌دهند (استنلی، ۲۰۰۷) و رضایت بالاتری از ازدواج خود دارند. پرداختن به اوقات فراغت و الگوهای فراغت با ثبات ازدواج و رضایتمندی زناشویی رابطه دارد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۴). نقش این عامل را در رضایت از ازدواج می‌توان این‌گونه استنباط کرد که فعالیت‌های فراغتی توسط اعضای خانواده طبق ساختار خاص خود محرک اصلی برانگیزنده حس همدلی طرفین و تبیین‌کننده کیفیت روابط همسران، ثبات، دوام و رضایت ازدواج است. نتایج پژوهش‌ها پیرامون فراغت و اوقات تفریح نشان می‌دهد که اوقات فراغت، پیامدهای رضایتمندی، ثبات، شادکامی و کارکرد مناسب را به همراه دارد. فراغت، فعالیت هدفمندی است که زوجین طراحی می‌کنند و موجب بهبود روابط خانوادگی و زوجی می‌شوند (صیدی و باقریان، ۱۳۹۰). بر اساس الگوی انسجام و انطباق‌پذیری، خانواده بر اساس نیاز خود به سمت یکی از ابعاد انسجام (نزدیکی و صمیمیت اعضا) و انطباق‌پذیری (قاعده‌مندی و مرزبندی میان اعضا) حرکت می‌کنند (السون، ۲۰۰۰). حرکت به موقع و سریع خانواده ثبات و رضایتمندی آن را در طول زمان ایجاد می‌کند. زبریسکی و مک کرمیک (۲۰۰۱)، معتقدند که الگوی تعادلی فراغت، به عنوان ابزاری مهم بعد انطباق‌پذیری و الگوی هسته‌ای فراغت، بعد انسجام آن را تأمین می‌کند. یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش استفاده درست از فضای مجازی بود. نقش رسانه‌های جمعی به ویژه ماهواره و فضای مجازی در سبک زندگی افراد و گرایش آن‌ها به این فضا غیرقابل انکار است. از نظر جامعه‌شناسان یکی از پیامدهای مخرب در این حوزه، رشد و قوام طلاق عاطفی است. رسانه‌های جمعی بر زندگی افراد تأثیر می‌گذارد و ممکن است هویت افراد، ارتباط و مشارکت آن‌ها در جامعه و تعهد آن‌ها را نسبت به

یکدیگر دچار تغییر کند. بنابراین رسانه‌ها می‌توانند ارتباطات نزدیک را نیز با تغییر مواجه کند. اینگونه که رسانه‌ها به ویژه فضای مجازی بر نوع سلیقه آن‌ها، مصرف، ارزش‌ها و نگرش آن‌ها اثر می‌گذارد (مظفری‌نیا و قاسمی‌پور، ۱۳۹۶). زوجین رضایت‌مند در این پژوهش در نوع و میزان استفاده از رسانه‌ها به خصوص فضای مجازی با وضع قوانین و توافق‌هایی مدیریت می‌کردند و از این نظر رضایت داشتند. این یافته همسو با پژوهش پرتو (۱۳۹۴) است که در این مطالعه نشان دادند استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنت و ماهواره رضایت، صمیمیت و سازگاری را تهدید می‌کند. همسو با بسیاری از پژوهش‌ها، در این مطالعه، زوجین رضایت‌مند، نقش باورهای و رفتارهای دینی را در رضایت‌مندی خود از ازدواج، اساسی می‌دانستند. این یافته با برخی از پژوهش‌ها مانند پژوهش خدایاری فرد و همکاران (۱۳۹۲)، یگانه و شیخ محمود (۱۳۹۲)، والتون و تاکویی (۲۰۱۰) و آمانو و چیدل (۲۰۰۸) همسو است. هیتن و پرت (۲۰۰۴) گزارش دادند که همبستگی مثبت و معناداری میان عمل به باورهای دینی و میزان رضایت از ازدواج وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش پایبندی به باورهای دینی رضایت از ازدواج افزایش می‌یابد. همچنین، گرایش‌های مذهبی در افراد متأهل به طور معناداری رضایت از ازدواج و بهداشت روان را نیز افزایش می‌دهد. باورهای دینی هم به طور مستقیم و هم از طریق تأثیر بر مؤلفه‌های دیگر، کیفیت ارتباط زوج را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تعهد، حل مسئله، فعالیت‌های جنسی، استرس و مقابله با آن و تاب‌آوری برخی از این مؤلفه‌ها هستند (صیدی و همکاران، ۱۳۹۴). پایبندی زوجین به باورهای مذهبی و داشتن رفتارهای مذهبی موجب ایجاد اعتماد و احترام متقابل شده و رضایت از ازدواج را افزایش می‌دهد. بدیهی است که عدم پایبندی به مسائل دینی بی‌تعهدی را در روابط زوجی به همراه دارد و از همین رو به کاهش رضایت از ازدواج منتهی می‌شود (منجری و همکاران، ۱۳۹۰). از سویی تمایل و گرایش مذهبی، هوش اخلاقی محسوب می‌شود که در تبیین رابطه میان باورها و رفتارهای دینی با رضایت از ازدواج می‌توان با استفاده از نظریه لنینک و کیل (۲۰۱۱) اینگونه استدلال کرد که هوش اخلاقی شامل عمل مبتنی بر اصول، ارزش‌ها و باورها، راستگویی، استقامت و پافشاری برای چیزی که حق است، وفای به عهد، مسئولیت‌پذیری، اقرار به اشتباهات، خدمت به دیگران، علاقمند بودن به دیگران و توانایی بخشش خود و دیگران است. وجود این خصوصیات در زوجین تأثیر به‌سزایی در کیفیت زندگی آن‌ها و افزایش رضایت آن‌ها از ازدواج دارد (اصغری و قاسمی‌جوبنه، ۱۳۹۳). این یافته بیشترین بخش دستاوردهای این

پژوهش را به خود اختصاص داد و به عنوان بنیادی‌ترین عوامل مؤثر بر رضایت از ازدواج مورد تأکید نمونه‌ها بود. وجود یافته‌های مرتبط با دینداری، نشانگر بافت فرهنگی-اجتماعی این مطالعه است که به دلیل ریشه‌دار بودن آموزه‌های دینی و نقش عمیق آن‌ها بر سبک زندگی افراد قابل توجه و تأمل است. اگرچه با وجود اهمیت نقش آن بر رضایتمندی زوجین، در پژوهش‌ها و ادبیات مربوط به رضایت ازدواج و خانواده توجه بسیار اندکی به آن‌ها شده است. بهره‌مندی از این فضائل مذهبی و سبک زندگی اسلامی که ثمره آن است و مربوط به این بستر فرهنگی-اجتماعی است موجب توانمندتر شدن زوجین و خانواده‌ها در مواجهه با چالش‌های زندگی، تعدیل تعارض‌ها و ایجاد رضایت پایدار است و در نهایت مسیر رشد و بالندگی را برای آن‌ها فراهم می‌کند. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که نمونه‌های مورد مطالعه متعلق به شهر تهران بودند؛ از سویی امکان انتخاب افراد به صورت تصادفی وجود نداشت و نمونه از جامعه در دسترس انتخاب شد. بنابراین، لازم است به دلیل احتمال وجود تفاوت در ویژگی‌های افراد انتخاب‌شده و جامعه هدف، در تعمیم نتایج احتیاط شود. همچنین با وجود اینکه بافت فرهنگی از جمله عواملی است که بر چگونگی رضایتمندی از ازدواج تأثیر می‌گذارد، امکان بررسی اثر خرده فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف به صورت مجزا وجود نداشت. این پژوهش مجموعه‌ای از یافته‌ها را معرفی می‌کند که باید در مرکز توجه پژوهش‌های آتی در حوزه خانواده و ازدواج قرار گیرند تا اطلاعات جامع‌تر و عمیق‌تری درباره آن‌ها جمع‌آوری و تحلیل شود؛ برای مثال، هر کدام از شاخص‌ها و نشانگرها پژوهش‌های گسترده و مجزایی را طلب می‌کند تا بتوان به شناخت کامل‌تری از متغیرها و ساز و کار اثرگذاری آن‌ها دست یافت. افزون بر این، شناسایی عوامل استحکام‌بخش خانواده، راهنمای مناسبی برای کار با خانواده‌ها، زوج‌ها، والدین و فرزندان است.

منابع

- اصغری، ف. و قاسمی جویبه، ر. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و گرایش‌های مذهبی با رضایت زناشویی در معلمان متأهل. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴، (۱)، ۶۵-۸۴.
- بهاری، ز. (۱۳۹۴). نقش سبک زندگی در رضایت زناشویی زوجین. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۶، (۲۲)، ۱۲۵-۱۴۵.
- پرتو، ز. (۱۳۹۴). تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی (اینترنت و تلفن همراه) و شبکه‌های تلویزیونی خارج از کشور (ماهواره) بر میزان رضایت، سازگاری و صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی رشت.
- جهانیان، م. و سپهری شاملو، ز. (۱۳۹۶). تأثیر ذهن آگاهی بر رضایت زناشویی: میانجی‌گری هوش هیجانی. نشریه روان‌پرستاری، ۵، (۳)، ۱-۶.
- حاتمی ورزش، ا.، اسمعیلی، م.، فرح‌بخش، ک. و برجعلی، ا. (۱۳۹۵). ارائه الگوی ازدواج پایدار رضایتمند، یک پژوهش گراند تئوری. مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۶، (۲۱)، ۱۴۹-۱۲۰.
- خدادادی سنگده، ج.، احمدی، خ. و آموستی، ف. (۱۳۹۴). شناسایی عوامل معنوی مؤثر بر سلامت خانواده‌های نظامی: یک مطالعه کیفی. مجله علوم مراقبتی نظامی، ۲، ۳، ۵، ۱۳۴-۱۴۲.
- خدادادی سنگده، ج.، نظری، ع. م.، احمدی، خ. و حسینی، ج. (۱۳۹۳). شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق: مطالعه‌ای کیفی و اکتشافی. فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۲۵، ۹-۲۴.
- دلداده مقدم، م. و باقری، ن. (۱۳۹۶). پیش‌بینی تعارض‌های زناشویی زوجین بر پایه رفتارهای واپایی و تفسیر دشواری‌ها. آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، ۲۱-۴۰.
- رضا پور میرصالح، ی. (۱۳۹۲). ارائه الگوی مفهومی سازگاری زناشویی مبتنی بر تبیین ابعاد هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی در گفتگوهای تعاملی و درون‌شخصی زوجین متقاضی طلاق و زوجین برخوردار از سازگاری زناشویی و ارزیابی اثربخشی آن. رساله دکتری مشاوره. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- صیادپور، ز. (۱۳۸۳). ازدواج موفق: بررسی رضایت از ازدواج در دانشجویان. فصلنامه روان‌شناسان تحولی روان‌شناسان ایرانی، ۱، (۲)، ۱۵۷-۱۴۵.
- صیدی، م. س. و باقریان، ف. (۱۳۹۰). پیش‌بینی سرسختی خانواده توسط فراغت و انجام فرائض دینی در منزل با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱، (۲)، ۲۴۲-۲۲۶.
- صیدی، م. س.، نظری، ع. م. و ابراهیمی، م. (۱۳۹۴). نقش باورهای ارتباطی و معنوی در خرسندی زناشویی؛ ارائه یک مدل فرضی با واسطه‌گری کیفیت ارتباط و سن. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۶، (۲۴)، ۱۳۰-۱۱۱.
- فتحی، ا. (۱۳۹۵). تدوین و اعتباریابی الگوی آماده‌سازی ازدواج مبتنی بر مقایسه عوامل مؤثر در ازدواج‌های رضایتمند و نارضایتمند. رساله دکتری مشاوره. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- قربانی، م. و فیروزی، س. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش سبک زندگی در رضایتمندی و فرسودگی زناشویی زنان متأهل شهر اصفهان. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۸، (۱)، ۳۶-۲۳.
- کوری، ج. (۲۰۱۳). نظریه و کاربردهای مشاوره و روان‌درمانی (ویراست نهم). ترجمه یحیی سید محمدی. (۱۳۹۳). تهران: انتشارات ارسباران.
- گیتی پسند، ز.، فرح‌بخش، ک.، اسمعیلی، م. و ذکایی، م. س. (۱۳۹۳). بررسی مؤلفه‌های معنای زندگی، ازدواج و زندگی مشترک در زوجین رضایتمند زناشویی. روان‌شناسی و دین، ۸، (۲)، ۳۰-۱۸-۵.
- محسن زاده، ف.، مرادی کوچی، س. و خدادادی سنگده، ج. (۱۳۹۳). مطالعه پدیدارشناختی دلایل رضایت از ازدواج (از دیدگاه زنان راضی از ازدواج). مطالعات راهبردی زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۷، (۶۵)، ۳۶-۷.
- مروتی شریف‌آباد، ع. م.، زارعی‌پور، م. ع.، موحد، ا.، شاه‌احمدی، ف.، کریمیان کاکلکی، ز.، عامری، م. و کمشکی، س. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین رضایت زناشویی و آگاهی و عملکرد مردان در خصوص سندرم قبل از قاعدگی زوجین شهر کرمان. فصلنامه بهداشت در عرصه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشکده بهداشت، ۵، ۱۳-۲۳.
- مظفری‌نیا، س. و قاسمی‌پور، م. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی در شهر ایلام.

فصلنامه علمی ترویجی فرهنگ ایلام، ۱۸، ۵۶ و ۵۷، ۱۷۱-۱۹۱.

منجزی، ف.، شفیع آبادی، ع. و سودانی، م. (۱۳۹۰). بررسی اثر ارتباط اسلامی و نگرش‌های مذهبی بر بهبود رضایت زناشویی. تحقیقات علوم رفتاری، ۱۰، (۱)، ۳۷-۳۳.

مؤمنی، خ.، صیدی، م.، رضایی، خ. و ابراهیمی، م. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای همدلی همسران در ارتباط بین الگوهای فراغت با خرسندی و ثبات ازدواج. فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۹، (۲۸)، ۱۲۳-۱۰۷.

مهدی پور بازکیایی، م. و صداقتی فرد، م. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و صمیمیت زوجین با سازگاری در خانه. فصلنامه روانشناسی تحلیلی-شناختی، ۶، (۲۲)، ۳۱-۲۱.

میری، ن. و نجفی، م. (۱۳۹۶). نقش صمیمیت، احساس تنهایی و ناگویی خلقی در پیش‌بینی رضایت زناشویی. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۱۱، (۳)، ۷۴-۶۶.

والی‌زاده، س. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین کمالگرایی و سرسختی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه.

- Amato, P. R., & Cheadle, J. E. (2008). Parental divorce, marital conflict and children's Behavior problems: A comparison of adopted and biological children. *Social Forces*, 86(3), 1139-1161.
- Boyer, TW. (2006). The Development of risk-taking: A multi-perspective review *Developmental Review* ; 26(3), 291-345.
- Carr, A. (2006). *Family therapy: concept, process and practice*. London: Wiley.
- Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2000). Decade review: Observing marital interaction. *Journal of Marriage & the Family*, 62(4), 927-947.
- Greeff, A.P., & De Bruyne, A.T. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 26(4), 321-334.
- Guba, E.G., & Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth Generation Evaluation*, Newbury park, CA: Sage.
- Heaton, T.B., & Pratt, E.L. (1990). The effects of religious homogeneity and marital satisfaction and stability. *Journal of Family Issues*, 11, 191-207.
- Khodayari Fard, M., Shahabi, R., & Zardkhaneh, S. (2013). Religiosity and Marital Satisfaction. *Procedia social and behavioral science*, 82, 307- 311.
- Lennick, D., & Kiel, F. (2011). *Enhancing business performance and leadership success in turbulent times*. Pearson education, inc. prentice hall. Isbn.
- Olson, D. H., & Olson, A. K. (1997). *Enrich Canada*, Ins. *Journal Of Family Ministry*, 11(4), 28-53.
- Scott, J. (2002). *Family and Gender Roles: how attitudes are changing*. Ge Net Working Paper, No, 21.
- Stanley, S. M., & Einhorn, L. A. (2007). Hitting pay dirt: comment on "Money: a therapeutic tool for couples therapy". *Fam Process*; 46(3), 9-293
- Waite, L. J., & Gallagher, M. (2000). *The Case for Marriage: Why Married People Are Happier, Healthier and Better off Financially*. New York: Doubleday.
- Walton, E., & Takeuchi, D. T. (2010). Family Structure, Family Processes, and Well-Being Among Asian Americans: Considering Gender and Nativity, *Journal of Family Issues*, 1(3).
- Yedirir, S., & Hamarta, E. (2015). Emotional Expression and Spousal Support as Predictors of Marital Satisfaction: The Case of Turkey. *Educ Sci Theory Pract*, 15(6), 49-58.
- Yeganeh, T., & shaikhmahmoodi, H. (2013). Role of religious orientation in predicting marital adjustment and psychological well-being. *Sociology mind*. 3(2), 131- 136.

Zabriskie, R. B., & McCormick, B. p. (2001). The influences of family leisure patterns on perception of family functioning. *Family Relations*, 50, 281-289.